

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ قَدْ قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: نَهَيْتَنَا عَنْ
الْحُكُومَةِ ثُمَّ أَمَرْتَنَا بِهَا، فَلَمْ نَدْرِ أَيُّ الْأَمْرَيْنِ أَرَشَدُ فَصَفَّقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِحْدَى يَدَيْهِ
عَلَى الْأُخْرَى ثُمَّ قَالَ: هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ. أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حِينَ أَمَرْتُكُمْ
بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا فَإِنِ اسْتَقَمْتُمْ
هَدَيْتُكُمْ، وَ إِنِ اعْوَجَجْتُمْ قَوْمَتُكُمْ، وَ إِنِ آبَيْتُمْ تَدَارَكْتُمْ، لَكَانَتْ الْوُفْقَى، وَ لَكِنِ
بِمَنْ وَ إِلَى مَنْ، أُرِيدُ أَنْ أَدَاوِيَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ دَائِي، كَنَاقِشِ الشُّوْكَةِ بِالشُّوْكَةِ وَ هُوَ
يَعْلَمُ أَنَّ ضَلْعَهَا مَعَهَا. اللَّهُمَّ قَدْ مَلَّتْ أَطْيَاءُ هَذَا الدَّاءِ الدَّوِي، وَ كَلَّتِ النَّزْعَةُ
بِأَشْطَانِ الرَّكِيِّ آيْنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ، وَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ
فَأَحْكَمُوهُ، وَ هِيَجُّوا إِلَى الْجِهَادِ فَوَلَّهُوا اللَّقَاحَ إِلَى أَوْلَادِهَا، وَ سَلَبُوا السِّيْفَ
أَعْمَادَهَا، وَ أَخَذُوا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ زَحْفًا زَحْفًا وَ صَفَاً صَفَاً؟ بَعْضٌ هَلَكَ وَ بَعْضٌ
نَجَا، لَا يَبْشُرُونَ بِالْأَحْيَاءِ، وَلَا يُعْزُونَ عَنِ الْمَوْتَى. مُرُّهُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، خُمْصُ
الْبُطُونِ مِنَ الصِّيَامِ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدُّعَاءِ، صُفْرُ الْأَلْوَانِ مِنَ السَّهْرِ، عَلَى
وُجُوهِهِمْ غَبْرَةُ الْخَاشِعِينَ، أَوْلِيكَ إِخْوَانِي الذَّاهِبُونَ، فَحَقٌّ لَنَا أَنْ نَنْظُمًا إِلَيْهِمْ، وَ
نَعُضُّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ. إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طَرِيقَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ
عُقْدَةً عُقْدَةً، وَ يُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغَاتِهِ وَ
نَفَثَاتِهِ، وَ اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاها إِلَيْكُمْ، وَ اعْقِلُواها عَلَى أَنْفُسِكُمْ.

در حکمیت

پس از پذیرش (حکمیت) صفین، یکی از یاران گفت: ما را از حکمیت نهی فرمودی، سپس پذیرفتی و داور تعیین کردی، ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو کار درست است؟ امام دست بر روی دست کوید و با تاسف فرمود: این سزای کسی است که بیعت با امام خود را ترک گوید، و پیمان بشکند. به خدا سوگند! هنگامی که شما را به جنگ با معاویه فرا خواندم، خوشایندتان نبود، ولی خداوند خیر شما را در آن قرار داده بود، اگر مقاومت می‌کردید، شما را راهنمایی می‌کردم و اگر به انحراف می‌رفتید شما را به راه راست برمی‌گرداندم، اگر سر باز می‌زدید، دوباره شما را برای مبارزه آماده می‌کردم، در آن صورت وضعیتی مطمئن داشتیم، اما دریغ، با کدام نیرو بجنگم؟ و به چه کسی اطمینان کنم؟ شگفتا، می‌خواهم به وسیله شما بیماریها را درمان کنم ولی شما درد بی‌درمان من شده‌اید، کسی را می‌مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می‌خواهد آن را بیرون کشد، در حالی که می‌داند خار در تن او بیشتر شکند و بر جای ماند، خدایا! پزشکان این درد مرگبار به جان آمده، و آبرسان این شوره‌زار ناتوان شده است.

وصف یاران شهیدی که وفادار بودند

کجا هستند مردمی که به اسلام دعوت شده و پذیرفتند، قرآن تلاوت کردند و معانی آیات را شناختند، به سوی جهاد برانگیخته شده چونان شتری که به سوی

بچه خود روی آورد شیفته جهاد گردیدند، شمشیرها از نیام برآوردند، و گرداگرد زمین را گروه گروه، صف به صف، احاطه نمودند، بعضی شهید، و برخی نجات یافتند. هیچگاه از زنده ماندن کسی در میدان جنگ شادمان نبودند، و در مرگ شهیدان نیازی به تسلیت نداشتند، از گریه‌های طولانی از ترس خدا، چشمهایشان ناراحت، و از روزه‌داری فراوان، شکمهایشان لاغر و به پشت چسبیده بود، لبهایشان از فراوانی دعا خشک، و رنگهای صورت از شب زنده‌داریها زرد، و بر چهره‌هایشان غبار خشوع و فروتنی نشسته بود، آنان برادران من هستند که رفته‌اند، و بر ماست که تشنه ملاقاتشان باشیم، و از اندوه فراقشان انگشت حسرت به دندان گیریم.

هشدار از فریبکاری شیطان

همانا شیطان، راههای خود را به شما آسان جلوه می‌دهد، که گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و بجای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزاید، از وسوسه و زمزمه و فریبکاری شیطان روی گردانید، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شماست گوش کنید، و به جان و دل پذیرید.